

ظرایف عرفانی در معراج

مؤلف: دکتر کبری باباشاه

۱۳۹۱



مؤلف: کبری بابا شاه

مختصات نشر: تهران، راز نهان، ۱۳۹۱

مختصات ظاهری: ۳۲۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۸-۰۳۶-۸

موضوع: معراج (عرفان)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۲ ظ ۲ ب ۵ / BP۲۲۱

رده بندی دیویی: ۴۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۲۴۸۸۹



ظرایف عرفان در معراج

عنوان کتاب

کبری بابا شاه

مؤلف

راز نهان

ناشر

اول، ۱۳۹۱

نوبت و سال چاپ

رقعی، ۱۰۰۰ نسخه

قطع و تیراژ

۹۷۸-۶۰۰-۲۵۸-۰۳۶-۸

شابک

۸۵۰۰۰ ریال

قیمت

شماره تماس مرکز بخش: میدان انقلاب - خ جنتی - پ ۲۶ - ط ۳

نشانی مرکز بخش: ۶۶۹۲۳۱۹۱

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
چکیده.....	۱۳.....
مقدمه.....	۱۷.....
بخش اولِ واقعه‌ی معراج.....	۲۵.....
نتایج.....	۴۲.....
بخش دوم کشف یا تجلی.....	۴۵.....
۱. تعلیم الهی.....	۴۶.....
۲. روح و حقیقت انسان.....	۴۸.....
۳. حُجب ظلمانی و نورانی.....	۴۸.....
۴. راه‌های رهایی از حجب.....	۵۱.....
۵. ورود به عوالم برتر.....	۵۱.....
۶. کشف، (وحی و الهام).....	۵۴.....
۷. کشف صوری.....	۵۶.....
۸. کشف معنوی.....	۶۱.....
۹. علت ترجیح آموزش‌های کسبی بر دریافت‌های ذوقی.....	۶۴.....
۱۰. مظهر اتم نور الاهی.....	۶۶.....
۱۱. تجلی.....	۷۴.....
۱۲. تجلی گاه و مظهر اسم "الله" ذاتی.....	۷۸.....

نتایج.....	۸۱
بخش سوم سُبُوحِیَّت.....	۸۳
سُبُوحِیَّت.....	۸۴
۱. "سبحان" منزّه دانستن حضرت حق تعالی است از آن چه لایق جناب	
قدس الاهی نیست.....	۸۴
۲. سبحان از اسامی تنزیه‌ی حق تعالی است.....	۸۵
۳. تسبیح در عرفان، غواصی در بحر اجلال الاهی، قدم بر بساط قرب نهادن، و	
جواهر توحید بیرون آوردن است.....	۸۶
۴. سُبُوحِیَّت و قُدُوسِیَّت از صفات جلالیه‌ی حضرت سبحان است.....	۸۷
۵. تجلیات ربوبی، به اسم‌های جمالی و جلالی است.....	۸۸
۶. در مقام ذات نه جای تنزیه است و نه جای تشبیه، زیرا صرف ادراک عقلی	
در هر تنزیه و تشبیه‌ی، تحدید است.....	۹۵
۷. تنزیه در عین تشبیه، شیوه‌ی عرفاست.....	۹۶
۸. نتیجه تقدیس "علو" است، علو حق تعالی لِنَفْسِهِ و لِذاتِهِ است.....	۹۸
۹. معراج یک القای سُبُوحِی بوده است. چون در وجود غیر حق نیست، پس	
القا از مقام جمع بر مقام تفصیل است.....	۹۹
۱۰. مَسْبُح و مقدّس حقیقی حضرت حق تعالی، می‌باشد.....	۱۰۱
نتایج.....	۱۰۳
بخش چهارم سیر.....	۱۰۵
سیر.....	۱۰۷
۱. سیر حضرت، کششی از جانب حق است.....	۱۰۹
۲. حضرت ختمی مرتبت در افق اعلاست.....	۱۱۰
۳. عروج برای همه است.....	۱۱۴
فصل اول - رکائب.....	۱۱۵

۱. حقیقت وجود به شرط کلیات قلم اعلی است. ۲۹۳
۲. قلم اعلی، عقل اول، همان ظهور و صفی حقیقت محمدیه است. ۲۹۵
- نتایج ۲۹۹
- بخش هشتم شنیدن و دیدن ۳۰۱
- شنیدن و دیدن ۳۰۲
۱. ذات به اعتبار صفی معین و یا به اعتبار تجلی از تجلیات حق، اسم نامیده می شود. ۳۰۲
۲. اسامی الاهی به اعتباری به چهار اسم اول، آخر، ظاهر، و باطن، و به اعتباری دیگر، به اسامی ذات و صفات و افعال، تقسیم می شوند. ۳۰۴
۳. موجودات خارجی در صلاحیت مطهریت اسما و صفات الاهی تفاوت دارند. ۳۰۵
۴. انسان کامل مظهر اسم جامع اله است. ۳۰۶
- نتایج ۳۱۳
- بخش نهم منابع ۳۱۵
- چکیده انگلیسی ۳۲۵

۲. لا اله الا هو ؛ لا اله الا الله ؛ لا اله الا انا. اشاره به مقام احدیت، واحدیت، الوهیت، و ربوبیت دارد. ۲۰۱
۳. ربوبیت که عبودیت است؛ در اوج عبودیت، ربوبیت ظهور می کند. ۲۰۳
۴. نتیجه ی عبادت، معرفت است. ۲۰۴
۵. ممکنات، ربط به حضرت حق هستند. ۲۱۱
۶. عبودیت و ربوبیت در حقیقت واحدند. ۲۱۳
۷. عبد کامل، رسول اعظم، تنها، و عبادت تامه، اختصاص به ایشان دارد. ۲۱۶
۸. مقام حضرت ختمی مرتبت در سوره ی نجم مطرح است. ۲۲۱
۹. مدارج خاص حضرت ختمی مرتبت که در قرآن آمده است. ۲۲۳
- نتایج ۲۲۸
- بخش ششم مسجد الحرام و مسجد الاقصی ۲۲۹
۱. "مسجد" که آینه تمام نمای مراتب هستی است، دل حضرت ختمی مرتبت است. ۲۳۰
۲. مقصود اصلی معارف، معرفت حق تعالی در افاق و انفس است. ۲۳۲
۳. معراج صوری و معنوی در آفاق مطرح است. ۲۳۳
۴. معراج صوری و معنوی در انفس مطرح است. ۲۳۵
۵. اسفار اربعه: سفراز مقام نفس به مقام قلب، و از مقام قلب به مقام روح، و صحو بعد از محو، و فانی در عین بقاست. ۲۳۸
- نتایج ۲۴۲
- بخش هفتم رؤیت آیات ۲۴۵
- برکت، رؤیت آیات ۲۴۷
۱. مهبط وحی بودن و دعوت به آیین های یکتاپرستی است که باعث برکت یا فایده ثابت هر مکانی می شود. ۲۴۷
۲. بیت المعمور در عالم ملکوت، مثالی برای کعبه در عالم ملک است. ۲۴۸
۳. رؤیت فؤاد، ادراک شهودی است. ۲۵۰

۴. بصر، نیروی درآکهای قوهی باصره است.....	۲۵۱
۵. مشاهدهی حق میسر نیست مگر به مشاهدهی آیات او.....	۲۵۳
فصل اول - آسمان ها.....	۲۵۶
۱. تفکر در آسمان، به لمعات انوار ربوبی و معانی اسماء الهی توجه داشتن است.....	۲۵۶
۲. بیعی و جودی انسان وسیع تر از آسمان و زمین است.....	۲۶۰
۳. نفس مدبر هر آسمان، مظهر اسمی از اسم های هفت گانهی اوست.....	۲۶۱
۴. آسمان ها مراتب اسم های الهی است.....	۲۶۳
۵. ابدال، عارفان کامل، متصفان در وجودند و تحت نظارت انبیاهستند.....	۲۶۸
۶. سیدرة المنتهی مرتبهی سلطنت جبرئیل و آخر مراتب جسمانیت است.....	۲۷۳
۷. جَنَّةُ الْمَأْوَى جایگاه شهادت و مقربین است.....	۲۷۶
فصل دوم - عرش، کُرسی.....	۲۷۹
۱. عرش و کرسی از عالم خلق است.....	۲۷۹
۲. عرش در عالم انسانی قلب، و کُرسی، صدر انسان است.....	۲۸۲
۳. استوای حق بر عرش، به مفهوم استیلا و تسلط و قدرت حق است.....	۲۸۳
۴. عرش مقام اجمال و، کُرسی مقام تفصیل احکام ظهور و پیدایش موجودات است.....	۲۸۴
فصل سوم - لوح محو و اثبات.....	۲۸۷
حقیقت وجود به شرط تغییر در صورت های جزئی تفصیلی، لوح محو و اثبات است.....	۲۸۷
فصل چهارم - لوح محفوظ.....	۲۹۰
۱. حقیقت وجود به شرط تفصیل کلیات، لوح محفوظ است.....	۲۹۰
۲. مقتدرات در لوح محفوظ، از تغییر مصونند.....	۲۹۱
فصل پنجم - قلم اعلی.....	۲۹۳

فصل دوم - قوس نزول و صعود ۱۱۸

۱. عروج و صعود اختصاص به موجودی دارد که دارای قوه و استعداد حرکت

جوهری و تحول ذاتی است ۱۱۹

۲. قوس نزول و صعود همان درجات اراده و فیض واحد ساری در جمیع

مظاهر است ۱۲۰

۳. انسان کامل در قوس نزول و صعود نقص‌ها را در عروج تحلیلی و عروج

ترکیبی جبران می‌کند ۱۲۲

۴. عروج تحلیلی و عروج ترکیبی در عرفان مطرح است ۱۲۵

۵. معراج صوری آفاقی عروج شخص را به عالم‌سفلی به عالم‌علوی است ۱۲۸

فصل سوم - معراج ملائکه و رسولان و اولیاء ۱۳۲

۱. نزول ملائکه، توجه و نظر به هستی است و عروج، توجه و نظر به حق

است ۱۳۲

۲. هر روز از ایام ربوبی هزار سال ۱ و ایام الوهی پنجاه هزار سال است، که

همان وجود مثالی و عقلی زمان است ۱۳۶

فصل چهارم - سیر محبتی و سیر محبوبی ۱۴۱

۱. حب ذات بر ذات ۱۴۲

۲. محبت، غلبان دل در اشتیاق لقای محبوب است که موجب محو محب

می‌شود ۱۴۹

۳. سیر محبتی، سیر در نفس است و سیر محبوبی، سیر در روح ۱۵۱

۴. نتیجه و حاصل سیر، فتح است ۱۵۱

فصل پنجم - تلوین و تمکین ۱۵۵

۱. مقام قاب قوسین، مرتبه‌ی جمع بین اسماء ظاهر و باطن در قلب انبیای

اولوالعزم است که از تلوین به تمکین رسیده‌اند ۱۵۵

۲. حقیقت کلیه‌ی محمدیه، ذات حق را به اعتبار تحقق به جمیع اسماء، از
لسان کلیه‌ی اسما در هر عالمی، تحمید و تمجید و، تنزیه و تقدیس می‌نماید.
۱۵۸.....

فصل ششم - فنا ۱۶۱.....

۱. وجه حقیقی هر موجودی، ذات و وجود است که باقی است؛ تعیین و تشخیص
هر موجودی، وجه خلقی است که فانی است. ۱۶۱.....

۲. مقام "آو ادنی" و "أحدیت جمع، بعد از مرتبه‌ی سوم فنا است که مخصوص
حضرت ختمی است. ۱۶۶.....

فصل هفتم - قُرب ۱۶۸.....

۱. مراتب قُرب، قُرب نوافل و قُرب فرائض و جمع بین دو قُرب و أحدیت جمع.
۱۶۸.....

قُرب نوافل: ۱۷۱.....

قرب فرائض: ۱۷۱.....

جمع دو قُرب: ۱۷۲.....

مقام احدیت جمع: ۱۷۲.....

۲. صاحب مقام آو ادنی، جامع قُرب نوافل، فرائض، جمع بین القُربین و
احدیت جمع است. ۱۷۴.....

فصل هشتم - تجسّم ارواح، تروّج اجساد ۱۸۱.....

۱. مراتب کلی عوالم وجودی، عالم عقل، عالم مثال و عالم حس است. ۱۸۱.....

۲. عالم مثال، برزخ عالم حس و عقل است. ۱۸۳.....

۳- بدن مرتبه‌ی نازله‌ی نفس است. ۱۸۶.....

۴. تجسّم رواح و تروّج اجساد، در عالم مُلک و مثال مطرح است. ۱۹۱.....

نتایج ۱۹۵.....

بخش پنجم عبودیت ۱۹۷.....

۱. مقام احدیت، و احدیت، الوهیت، و ربوبیت از مراتب تجلی است. ۱۹۹.....

مکیده

www.ketab.ir

چکیده

حق تعالی، حضرت ختمی مرتبت (ص) را، در شب هفدهم رمضان، یک سال قبل از هجرت از مکه به مدینه، از منزل اُمّ هانی به معراج برد. به سفر حضرت ختمی مرتبت (ص) از مکه به بیت المقدس/بصری، و به عروج ایشان در مراتب عالی عوالم، معراج گویند. جبرئیل از فرشتگان عالی مقام، همراه حضرت در این سیر و معراج بوده است. حضرت ختمی مرتبت (ص) با بُراق - که همان اعمال و عقاید تشخص یافته و یا مرتبه شهودمی باشد. در عوالم سیر کردند. ایشان در معراج در مراتب عوالم: فرشتگان، تمثلات برزخی اعمال انسان ها، بهشت و جهنم، هفت آسمان، سدره المنتهی، کرسی، عرش، لوح محو و اثبات، لوح محفوظ و قلم اعلی را شهود نمودند.

معراج از کشف بالاتر است زیرا کشف، رفع حجب ظلمانی و نورانی با افاضه ربانی در قلب سالک برای درک حقایق است که توأم با ریاضت های علمی و عملی می باشد؛ در حالی که دست اندر کار سیر، بنا بر تصریح آییه قرآن حضرت حق تعالی می باشد. لذا می توان معراج را قسمی از اقسام تجلی به حساب آورد، که با تجلی اسمای افعالی، شروع و به تجلی اسمای صفاتی و آسمای ذاتی کشیده می شود.

آن چه از عالم غیب بدون واسطه در قلب حضرت ختمی مرتبت (ص) وارد شده است، بنابر آییه "سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى... "یک القطای مستوحی بوده است، که همان افاضه ی وحی از مقام جمع بر مقام تفصیل است. این به تناسب آن است که استعداد و عین حضرت ختمی مرتبت (ص)، شایستگی آن را دارد که مقام ظهور و تفصیل اسما و صفات حق تعالی می باشد. به عبارت دیگر، می توان سیر و معراج حضرت ختمی مرتبت (ص) را سیر در

مراتب وجودی خودشان بیان نمود.

این واقعه در شب رخ داده، که از دید عرفا، لیل اشاره به ظلمت ممکنات و قوس برول دارد، یعنی با امکان استعدادی می توان مراتب را سیر نمود. قربی که از سیر حاصل شده است قرب در مقام احدیت جمع است که، مخصوص حضرت ختمی مرتبت (ص) می باشد و این مرتبه، بعد از قرب نوافل، قرب فرائض و قرب جمع الجمع می باشد.

آن چه از آیات الهی برای ما از اسری و معراج بیان شده، گویای بسیاری از وقایع در عالم مثال است. مانند تروح اجساد (روحانی شدن موجودات ملکی) و تجسد ارواح (جسمانی شدن ملائکه)؛ رویت موجودات عالم مثال یا ملکوت که برزخ میان ماده و عقل، با ملک و جبروتند.

علت این موهبت بزرگ الهی مقام والای حضرت ختمی مرتبت (ص) می باشد، که قرآن به آن با عنوان "عبد" اشاره نموده است. در بحث مسجد الحرام (با بیان تفاسیر عرفانی و تقسیمات عرفا)، به انواع معراج ها پرداخته شده و با توجه به آیه سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ... اشاره شده است که معراج های حضرت شامل معراج صوری آفاقی، معراج معنوی آفاقی، معراج صوری انفسی، و معراج معنوی انفسی است.

حضرت ختمی مرتبت (ص) که، اسم عینی و وجودی حق هستند، به حقیقت سمع و بصر محقق شده، لذا آیات الهی را دیدند و صدای برخورد کلمه ها را شنیدند و چون به سمع و بصر حقیقی محقق شده اند، پس صدایی شنیده نمی شود مگر از طریق ایشان و چیزی دیده نمی شود مگر به توسط ایشان.

مقدمه

www.ketab.ir

مقدمه

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا خَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (اسراء/ ۱)

حمد و سپاس فراوان خداوند و هجاب را، که با لطف و عنایت بی دریغش، این حقیر را یاری نمود تا به تحلیل عرفانی یکی از مهم ترین وقایع زندگی حضرت ختمی مرتبت (ص) دل بسپارد.

هدف از این نوشته آن است که مرتبه و جایگاه وجودی حضرت ختمی مرتبت (ص) را با بیان ظرایف عرفانی معراج روشن نماید. معراج در رسائل و کتب زیادی نقل و نقد شده است و از دید روایی، تاریخی، فلسفی، ادبی، مورد بررسی قرار گرفته است، اما این رساله با نوشته های زیادی که در این رابطه انجام شده تفاوت هایی دارد، مثلاً روند کار در این مجموعه بر محور قرآن است، زیرا محکم ترین پشتوانه ی بیان حقایق عرفانی، قرآن عظیم است؛ گر چه سعی شده از تعبیر و اصطلاحات عرفانی تا حد مقدور در بیان مطالب اجتناب شود و آن ها به نشر روان و ساده نگارش شود؛ لیکن باز هم در مواردی ناگزیر به بیان مطالب با زبان عرفان بوده ایم به هر ترتیب این کتاب با توجه به موضوعش، برای کسانی مفید است که با اصطلاحات عرفان اسلامی آشنایی دارند. لازم به ذکر است که در تمام این نوشته رعایت اختصار شده و اصلی ترین و مهم ترین مطالب جمع آوری و بیان گردیده است.

مرتبه و جایگاه وجودی حضرت ختمی مرتبت (ص)، نزد حق تعالی منحصر به فرد است. قرآن عظیم این مرتبه را به خوبی نشان داده است. حضرت رسول (ص) آینده ی تمام نمای اسما و صفات الهی هستند. ایشان نزدیک ترین موجود به مشهد حق می باشند. به غیر حق، کسی یا چیزی در

وجودشان تصرف ندارد. فانی در حق بوده و جامع همه‌ی کلمات الهی هستند. مقام ظهور تفصیلی اسما و صفات الهی از آن ایشان است، و ایشان به عوالم مادیون خود محیط می‌باشند. نزول ایشان برای تکمیل خلایق و خبر دادن از ذات و صفات و اسمای حق بوده است، و صعودشان برای تکامل و رشد انسان‌ها می‌باشند. نزول نور وجودی شان، عروج تحلیل گویند که توأم با تعینات است، و اشاره به مقام تفصیل موجودات از حق به خلق یا بسط وجود است. و به صعود نور وجودی شان، عروج ترکیب گویند، که توأم با رفع تعینات بوده و قبض وجود نامیده می‌شود. حق تعالی، موهبت سیر را در مورد ایشان محقق ساختند. سیر حضرت از منازل نفس تا افق مبین، با تجلیات افعالی بوده است؛ و از افق مبین تا افق اعلی توأم با تجلیات صفاتی بوده است؛ و بالاترقی به مقام عین الجمع به حضرت واحدیت رسیده‌اند، و با بقای بعد از فنا، سیر از حق برای تکمیل خلایق آغاز گردیده است.

از دیدی دیگر، ایشان با سیر محبی، تحقق به اسمای ظاهری داشته، که منوط به فنای نفس است؛ و با سیر محبوبی به اسمای باطنی، تحقق یافته که منوط به فنای روح می‌باشد؛ و با سیر در مقام جمع، به مرتبه‌ی فنا در فنا رسیده؛ و در نهایت، سیر در مقام احدیت جمع، مخصوص مقام ایشان است.

نتیجه و حاصل این سیر، فتح است: فتح قریب با تجلیات افعالی حق بوده، و فتح مبین با تجلیات صفاتی توأم گشته، و با فتح مطلق فنای در ذات احدیت و مقام "آو آذنی" است.

با توجه به آیه‌ی *ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى* "ایشان علاوه بر قُرب نوافل که مرتبه‌ی دنی است، به قرب فرایض نیز نایل گشته که کلمه‌ی فتدلی به آن اشاره دارد؛ و به مقام قرب جمع الجمع، که قَاب قَوْسین به آن اشاره می‌کند نیز رسیده‌اند؛ و مرتبه‌ی اختصاصی ایشان در

قرب، مقام احدیت جمع است که / او آذنی به آن اشاره دارد. بنابراین ذات و صفات ایشان فانی در احدیت است.

خاتم خزانهای نبوت (ص) جامع همه‌ی کلمات الهی بوده و عبد کامل هستند. عبد در آیه‌ی نخست سوره‌ی اسری اشاره به مقام جمع از خلق به حق می‌کند، که این مقام یعنی عبودیت و عبد کامل بودن، و از مقام رسالت بالاتر می‌باشد. با عبودیت است که امکان استعدادی از عالم مادی شروع می‌شود و به جایی می‌رسد که انسان لایق دریافت مواهب الهیه می‌گردد. با توجه به آن که مرتبی احمد محمود (ص)، اسم الله است که جامع همه اسما و صفات الهی است لذا همه‌ی عالم تحت تربیت ایشان است.

از طرف دیگر، با عبودیت کامل است که ربوبیت به صورت اعلی ظهور می‌کند. از آیات بزرگ الهی که ایشان شهود نمودند، آن است که همه‌ی عالم را تحت تربیت اسم‌های الهی دیدند؛ پس که هر موجودی، ربّ خودش را طلب می‌کند؛ از طرفی با توجه به آیه‌ی "وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ"، همه‌ی موجودات از کانال وجودی حضرت ختمی مرتبت (ص) فیض می‌گیرند. با عبودیت است که اولین شعاع ربوبیت در قلب می‌تابد، و سالک بر نفس غلبه می‌یابد که نتیجه‌ی ادامه عبودیت غلبه بر قوه و نیروی خیال است؛ با قوی تر شدن روح، عابد می‌تواند خلع بدن کرده، با عبور از عالم ملکوت و قدم به عالم جبروت گذاشتن، طبیعت خارجی را تحت نفوذ خود قرار دهد.

در این کتاب، شما با عوالمی که حضرت سیر کردند آشنا خواهید شد؛ مانند عالم امر و عالم خلق که قلم اعلی و لوح محفوظ از عالم امرند. و لوح محو و اثبات، عرش، کرسی، سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى، آسمان‌ها و بهشت و جهنم که حقایق اعمال انسان‌ها می‌باشد، از عالم خلق هستند. اثر وجودی حضرت ختمی مرتبت (ص) در تمامی این عوالم، واسطه‌ی فیض الهی بودن است.

نگارنده باسر فصل قراردادن هر کلمه از آیه‌ی اول سوره اسری، ابتدا پیرامون آن کلمه از دید عرفانی مطالبی مطرح کرده، و بعد جایگاه حضرت را در آن خصوص آورده است. در مجموع این نوشته دارای هشت بخش است. دو بخش نخست، واقعیهی معراج و کشف، به عنوان پیش نیاز برای ورود به متن اصلی آورده شده است. در بحث کشف، علاوه بر بیان ساده و روان انواع کشف، به این نکته اشاره شده که اسری از کشف بالاتر است؛ زیرا حق تعالی ایشان را برای شهود آیات الهی دعوت نموده است، اسری با تجلیات افعالی شروع شده است. این تجلی به دلیل آن است که مظهر اتم نور الهی، سراج منیر مستنیر (ص) است.

در بخش سبوحیت که از کلمه‌ی سبحان استفاده شده است، به شرح سبوحیت و قدوسیت پرداخته، و به تفاوت آن‌ها اشاره رفته است. آن چه حضرت ختمی مرتبت (ص) در معراج داشته اند، علاوه بر معراج جسمانی، با انسلاخ و رهایی از تعین‌های روحی نیز توانسته اند معارج عالی‌ه را طی کرده و بالاتر از مرتبه سیدره المنتهی که انتهای مراتب جسمانیت عالم مثال است رسیده که آن اختصاص به ایشان داشته و جبرئیل هم تاب همراهی نداشته است و آیه‌ی /و ادنی به این مرتبه اشاره دارد.

این نکته اساسی همواره باید مدنظر قرار گیرد که ذات حق تعالی در مرتبه‌ی غیب الغیوب است، و از هر گونه حدود و اشاره ای منزّه و غیر قابل دسترسی است؛ لذا آن چه در این رساله مطرح شده است همه از مرتبه‌ی اسمای ذات است. رؤیت آیات الهی در معراج رحمه للعالمین (ص) در آفاق و انفس را می‌توان

به دو قسم صوری و معنوی تقسیم کرد. معراج صوری آفاقی، سیر حضرت از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و از آنجا به آسمان‌ها، کرسی و عرش و... بوده است. در این معراج جسمانی، همه رُسل مشترک اند. این معراج در پی

درخواست ملایکه صورت گرفته است. معراج معنوی آفاقی، مشاهده‌ی حقایق موجودات در تمامی مراتب عوالم، پناہ درخواست خود حضرت: "اللهم اَرِنَا الحقائق كما هي"^۱، بوده است. این معراج محتاج حرکت صوری و سلوک جسمانی در ظاهر و حتی در سیر باطنی در فکر نیست. همه‌ی اتفاقات این معراج، در یک چشم بر هم زدن رخ نموده، و همیشه ادامه دارد. معراج صوری انفسی، سیر از کثرت خلقی و عالم جسم و جسمانیت به عالم ارواح و روحانیت است؛ مشاهده یقینی عقول مجرد و نفوس کامله، از راه کشف و ذوق در این معراج است. در این معراج خداوند سمیع و بصیر است که به استدعای حضرت ختمی مرتبت (ص) پاسخ داده است. معراج انفسی معنوی، از قلب حضرت ختمی مرتبت (ص)، که ورود غیر حق بر او حرام است، شروع شده، و به مقام روح، که نهایت مقام مشاهده و کشف است، و کلمه‌ی مسجد الاقصی به آن اشاره دارد، ختم شده است. در این معراج، حضرت ختمی مرتبت (ص)، قول و امر حق را سمیع بوده و به سر حق بصیر گشته اند.

حضرت رسالت پناه (ص) به مرتبه‌ی ملایکه مهتّمین رسیده، و آیه‌ی "ما رَأَى الْبَصَرُ" به آن مرتبه اشاره دارد، که همان مَحْشُود در شعاع قیومی حق است، و ما طَعَى به آن اشاره دارد که ایشان از حد امکانی تجاوز ننموده است.

از آیات الهی که ایشان شهود نمودند مراتب آسمان هاست، که منظور از آسمان در عرفان، همان محل و موطن انوار الهی و تجلیات الهی است. آسمان‌ها در باطن یکدیگر قرار دارند و تفکر در آسمان، توجه به معانی اسمای الهی است. اذن ورود به هر آسمانی در معراج، حاکی از آمادگی و تناسب برای آن مرتبه وجودی است. حضرت ختمی آیات الهی را دید و شنید، ایشان مظهر کامل اسم سمیع و بصیر حق گشته اند.

با بیان وقایع معراج، برایمان عده ای و تعجب عده ای دیگر افزوده شد. البته از آن جا که این شخصیت عظیم و والا برای کمال بشریت نقش به سزایی دارد؛ لذا هر اثری در جهت شناخت مرتبه و مقام ایشان که برای تأسی و پیروی بهتر انسان ها انجام شود، باز هم کم است.

در خاتمه از همه استاد بزرگوار، آقای دکتر ابراهیمی دینانی، و آقای دکتر منصوری لاریجانی و آقای دکتر شیخ الاسلامی با راهنمایی های ارزنده شان، کمال تشکر را داریم.

خواندن این کتاب برای کسانی که با اصطلاحات عرفانی آشنایی دارند مناسب است و امیدوارم خوانندگان گرامی، اینجانب را از نظرات خود آگاه نمایند.

Babashah۵۶۵@gmail.com